

متن پرسش

سلام استاد: چند روزی است بحث دکتر چاوشی درباره جناب صدرا ذهنم را مشغول کرده بخشی از سخنان ایشان دربارع تفکر صدرا: انسان در حرکت جوهری حکمت متعالیه جمع بین ذات و فعل می شود و در نهایت ذات و فعل یکی می شود و بحث شفاعت به غایت دشوار می شود. وقتی می گوئید عینیت بین ذات و صفات است این بزرگترین شناخت است و دیگر تعالی نمی ماند. اگر تعالی از معرفت وجود نداشته باشد، سوبرکتیویته ظهور می کند. سوبرکتیویته به معنای خودبنیادی انسان است و خودبنیادی یعنی اینکه همه امور عالم دائر مدار آگاهی انسان می چرخد. ابن عربی بر خلاف صدرا، ذات و فعل را جدا می داند. ذات انسان در نگاه ابن عربی حق است و فعل او می تواند خبیث باشد. بین ذات و صفات از منظر صدرا عینیت و از منظر عرفان تباین است. در تفکر صدرا تعالی و غیب وجود ندارد بلکه همه آن شهادت و حضور است و سوبرکتیویته در آن وجود دارد و به همین میزان نیهیلیسم و اومانیسیم در آن موجود است. اما این سوبرکتیویته هنوز تحقق خود را بصورت کامل در نظام صدرا پیدا نکرده. در صورت نقد یا تایید سخنان ایشان درباره صدرا خواهشمندم ما را آگاه بفرمایید و نظرتان را بفرمایید

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می آید که فهم ایشان از موضوعات با تصورات خودشان همراه است و آن طور که لازم است از اساتید فن استفاده نکرده اند. مگر می شود در نظر به «وجود»، ذات و صفات جدا باشند. به گفته اهل فن بخصوص با تأکید آیت الله جوادی در درس «اسفار»، آری! مفهوم ذات غیر از صفات است همان طور که مفهوم علم، غیر حیات است ولی در واقعیت، ذات، مصداق همه این مفاهیم می باشد. موفق باشید